

اصل عدالت و قانونگذاری دینی

دکتر سید ابوالقاسم نقیبی^۱
استادیار مدرسه عالی شهید مطهری

جایگاه عدالت در مقاصد شرعی و سیستم قانونگذاری اسلام بویژه در اندیشه شیعی، از اهمیت خاصی برخوردار است؛ به گونه‌ای که، در ابعاد کلان اعتقادی و خرد در فروع و احکام جمعی و فردی، به صورتی بنیادین اثرگذار است. تبیین این موضوع، بیان اموری چند را ضروری می‌نماید:

۱- در تعالیم اعتقادی اسلام، عدالت و حکمت از جمله صفات خداوند است. بدین معنا که او هر موجودی را متناسب با قابلیت و استحقاق وی از وجود و کمال وجودی بهره‌مند می‌سازد. لذا عالم تکوین موزون و متناسب آفریده شده و بیانگر «السماء رفعها ووضع المیزان» (الرحمن، ۷) و «بالمعل قامت السموات والارض» (الصفی، ج ۲، ص ۶۳۸) می‌باشد.

عدالت و حکمت خداوند ایجاب می‌نماید که نظام هستی متوازن و متعادل خلق و اراده گردد؛ به گونه‌ای که هیچ کژی، تفاوت و تبعیض ولو با نگاه دقیق و عمیق در آن یافت نمی‌شود؛ «ماتری فی خلق الرحمن من تفاوت» (ملک، ۴). گواه این امر آن است که «شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوالعلم قائماً بالتسط» (آل عمران، ۱۸)، نه تنها صاحبان علم و اندیشه از زمینیان، بلکه عالم مجردات و ملائک به شهادت «قیام بر قسط» برخاسته‌اند و ذات اقدس کبرایی را بر تحقق این امر مهم گواهی می‌دهند.

۲- در علوم اخلاقی اسلام ملکه نفسانی عدالت - تدبیر و کنترل قوه غضب و شهوت در کنار حکمت، عفت، علم، شجاعت از فضیلتها و کرامتهای اخلاقی به شمار آمده است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد در بخش مهمی از آموزه‌های اخلاقی و عبادی برای رشد این فضیلت طراحی خاص و اسلوب معین تدارک

۱- معاونت پژوهشی مدرسه عالی شهید مطهری

گردیده است.

در علم فقه انسان واجد چنین فضیلتی موازی با بعضی از صفات دیگر شایسته اخذ مقام اجتهاد، قضاوت، داوری و امامت در جماعت گردیده است و یا شهادتش معتبر شناخته شده و احکامی چون «یحکم به نوا عدل منکم» (مأئده، ۹۵) و «واشهدوا نوبی عدل منکم» (طلاق، ۲) در راستای اعتبار عدالت در تحقق رسالت چنین مسؤلیتی مقرر گردیده است.

۳- قانونگذاری الهی همان گونه که در عالم تکوین عدالت را اساس آفرینش قرار داده است، در نظام تقنین و مقررات عملی و نظام اجتماعی و اقتصادی و سیاسی نیز تحقق عدالت را با جدیت مورد توجه تام قرار داده و مکلفان را بر التزام به آن مأمور نموده است «ان الله یامرکم بالعدل والاحسان» (نحل، ۹)؛ مؤیدی بر این امر است، بلکه در بررسی مقاصد شرعی، تحقق عدالت از اهداف بزرگ انبیای الهی بوده است. لذا «تقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیتقوا الناس بالتسطر» مبین چندین نکته اساسی است که حکمت ارسال رسل و انزال کتب و قانونگذاری بر مبنای عدالت و توازن را تحقق عدالت از سوی انسانها می‌شمارد.

استاد مطهری در این راستا می‌گوید «عدالت در سلسله علل احکام است نه در سلسله معلولات، نه این است که آنچه دین گفت عدل است، بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید» (مطهری، ۱۴۰۹ هـ ص ۱۴). یعنی عدالت پایه و مبنای هر قاعده و حکم اجتماعی و اقتصادی اسلام است. برخی با درک چنین جایگاهی از عدالت در تشریح احکام آن را مقیاس و معیار شناسایی قوانین اسلامی تلقی نموده‌اند.

فقیه در استنباط فقهی خود میزان صحت فتوی را باید در توازن آن با عدالت بررسی کند و نظام خرد فتوی در راستای نظام کلام قانونگذاری را بر مبنای عدالت قرار دهد؛ بلکه ملاک ارزیابی فتوی برای دیگران هم می‌باید توجه به اصل عدالت باشد.

۴- فقیهان امامیه در مبحث مستقلات عقلیه یعنی اموری که عقل انسان بطور مستقل و جدا از کلیه احکام شرعی بر آن حکم می‌کند، مسأله حکم عقل به حسن عدالت و قبح ظلم را مورد توجه جدی قرار داده و یادآور شده‌اند از مهمترین قضایایی که عقل عملی بدان حکم می‌نماید، نیکویی عدالت است؛ این حکم عقل

کاشف از این است که شرع نیز آن را مطلوب و پسندیده می‌داند (قاعده ملازمه) بنابراین پیشینه بحث از عدالت علاوه بر آیات و روایات در مسأله حسن و قبح قابل جستجو است.

۵- با استقرای در منابع حدیثی، گزاره‌های منقول و مأثور فراوانی از معصومان علیهم السلام بر مطلوبیت عدالت، ضرورت عدالت‌ورزی، فواید و مصادیق آن در مناسبات اجتماعی دلالت دارد (میزان الحکمه ماده عدل).

با امعان نظر در آنها در می‌یابیم که اصل عدالت به عنوان یک قاعده کلی در منابع روایی قابل شناسایی است؛ بنابراین کتاب، سنت و عقل بر شناسایی و حجیت آن دلالت دارند.

۶- برخی فقیهان از استنباط احکام بر اساس قاعده عدالت غفلت نورزیده و در بعضی موارد آن را مبنای اجتهاد خود قرار داده‌اند. چنان که صاحب «جواهر» در فرض اختلاف کارشناسان در تعیین ارزش جمع نمودن و نسبت‌گیری کردن قیمت‌های کارشناسی ارائه شده را مقتضای عدالت دانسته است (نجفی، ۱۹۸۱م، ج ۲۳، ص ۲۹۴).

امام خمینی (ره) راه‌های تخلص از ربا را که مورد تأیید برخی از فقیهان است، جایز نمی‌داند و آن را با روح اسلام و حکمت حرمت ربا و نکته «لا تظلمون و لا تظلمون» در آیه «فلکم رؤوس أموالکم لا تظلمون و لا تظلمون» (بقره، ۲۷۹) مغایر می‌شمارد (الموسوی الخمینی، ج ۱، ص ۵۲۷).

استقرا در آثار فقهی و جمع‌آوری آرا و نظریات فقیهان که قاعده عدالت مبنای اجتهاد آنها قرار گرفته است، ما را به قاعده کلی عدالت و انصاف به سهولت رهنمون می‌شود. شناسایی دقیق ماهیت قاعده و گستره دلالت و به کار گرفتن آن در منطق استنباط موجب شکوفایی بخش معاملات فقه به ویژه فقه عمومی علوم اجتماعی اسلام خواهد شد.

عدالت اجتماعی از مهمترین آموزه‌های تعالیم اجتماعی اسلام است که در نظام حقوقی آن متجلی شده است؛ لذا برای وصول به نظام حقوقی باید احکام و هماهنگی و پیوند آنان را با معیار عدالت اجتماعی، کشف و ارائه نمود. عملکرد کارگزاران را در عملیاتی نمودن طرح و برنامه اسلام برای زندگی اجتماعی انسان

مورد ارزیابی قرار داد. بر اساس چنین رویکردی است که موضوعاتی چون حقوق متهم در نظام حقوقی اسلام شناسایی و نیز جایگاه زندان برای برخی مجرمان بر اساس اندیشه‌های دینی تبیین آزادی انسان‌ها با حاکمیت اندیشه قسط و عدل مورد بررسی و استحقاق فطری آنها به رسمیت شناخته می‌شود و نیازهای مادی، معنوی، جسمی، جنسی و روحی به صورت حقوق مادی و معنوی مورد پذیرش قرار گرفته و تضمین می‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی